

# خفاشان در شهر

بررسی ریشه روانی متجاوزان به عنف

خاصی دارد و به شکل خاصی بروز پیدا می‌کند. فردی به این حالت است که با تجاوز و آزار دادن دیگران خود را به آرامش می‌رساند.» وی ادامه داد: «چنین فردی با هر بار انجام این کار چند روزی به آرامش می‌رسد و باز کار خود را تکرار می‌کند. این افراد خطای خود را گناه نمی‌دانند و معتقدند برای رسیدن به آرامش، مرتکب این جرم می‌شوند. وقتی فردی به آنها التماس می‌کند او را آزار ندهند یاد التماس و درخواست خود از دیگران می‌افتند که جوابی هم از آن نمی‌گرفته‌اند و از این راه، ارضای خاطر می‌کنند. بعضی افراد دچار سادیسم می‌شوند. یعنی از آزار رساندن به دیگران از راه تجاوز راضی می‌شوند. نباید این افراد در جامعه رها شوند. خیلی از بیماران که با توجه به شرایط خانوادگی و فضای رشد و البته شرایط اجتماعی به این جایگاه روانی رسیده‌اند، در جامعه وجود دارند و برای بازداشتن آنها از چنین کارهایی باید آرامش را به جامعه بازگردانیم. در غیر این صورت چنین افرادی به آزارهای خود ادامه می‌دهند تا زمانی که گرفتار شوند، به زندان بیفتند یا اعدام شوند. این افراد بعد از دستگیری مجدد نباید در جامعه رها شوند. گرفتن چیزی با زور از مردم نوعی بیماری است و تنها راه درمان آن این است که چنین افرادی در جایی نگهداری شوند.»

در ادامه پرونده‌های جنجالی و صحبت‌های یکی از قربانیان آزار و اذیت و مرد متجاوزی را مرور کرده‌ایم.

شخصیتی جنبه ارثی دارد و معمولاً در خانواده این فرد شخص دیگری دارای اختلال روانی وجود دارد. عوامل محیطی هم نقش دارند و این مشکل را تشدید می‌کنند.

نیاز جنسی هم در ارتکاب تجاوز دخیل است. افراد عادی می‌توانند این نیاز را کنترل کنند. اما چنین افرادی قدرت سلف کنترل یا کنترل شخصی ندارند. فرد به کمک این قدرت می‌تواند انگیزه‌ها و نیازهای خود را کنترل کند و این مسأله به مقدار زیادی با آموزش و تربیت در خانواده مرتبط است.

کتر مصطفی اقلیما، رئیس انجمن مددکاری ایران معتقد است: «وقتی در سطح جامعه بیکاری وجود داشته باشد، به عدم امنیت و کاهش امید به آینده منجر می‌شود. بنابراین افراد هر روز به راه‌های مختلفی کشیده می‌شوند. فردی که دست به خلاف یا بزه‌های بزند قبح آن برایش از بین می‌رود. به این ترتیب، فرد برای برآورده کردن نیازهای خودش هر کاری اعم از دزدی، بزه‌کاری و خلاف‌های مختلف را انجام می‌دهد. یکی از مواردی که ارتکاب آن حالت انسانی را در افراد از بین می‌برد، تجاوز به عنف است. افراد با آزار دادن بقیه می‌خواهند آرامش به دست بیاورند. پس این راهی برای تخلیه ناراحتی و فشار خود محسوب می‌کنند. چنین افرادی از ابتدا بیمار نیستند و در سیر جریان زندگی، شرایط اجتماعی و مشکلاتی که برایشان پیش آمده است به این جایگاه روانی رسیده‌اند. مشکل روانی هر فردی حالت

هفته‌گذشته افشای راز جنایت‌های سیاه نگهبان یکی از پارک‌های شمال تهران موجی از وحشت را در دل شهروندان به خصوص زنانی که برای تفریح یا ورزش به پارک‌ها و بوستان‌ها می‌روند، ایجاد کرد. مردی که برای ایجاد امنیت در پارک استخدام شده بود، در نقش یک متجاوز اقدام به آزار و اذیت زنان کرده بود. با انتشار چهره بدون پوشش مرد متجاوز، هر روز بر تعداد شاکیان او افزوده می‌شود و زنان جدید بعد از ماه‌ها سکوت، راز مخفی خود را فاش می‌کنند.

تا دو دهه قبل متجاوزان اغلب در پوشش مسافر بر طعمه‌های خود را شکار می‌کردند. بعد از سوار کردن طعمه، با تهدید چاقو آنها را به خارج شهر و محلی خلوت کشانده و مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. بعد هم پول و طلایشان را سرقت و بعد با رها کردن آنها، فرار می‌کردند. اما حالا با گستاخی متجاوزان روبه‌رو هستیم و آنها با ورود به خانه زنان تنها یا در پارک اقدام به اجرای نقشه سیاه خود می‌کنند. این مجرم‌ان حتی مانند پرونده‌ای که یک ماه قبل در جاده وردیج استان تهران رخ داد، زنی را مقابل چشمان مرد همراهِش ربودند و در یکی از محلات مرکزی تهران مورد تعرض قرار دادند.

بررسی پرونده شخصیت افراد متجاوز نشان می‌دهد، این افراد دچار اختلال‌های شخصیتی ضد اجتماعی و مرزی هستند. اختلال

مجید غمخوار  
تیش

یکی از مواردی که ارتکاب آن حالت انسانی را در افراد از بین می‌برد، تجاوز به عنف است. افراد با آزار دادن بقیه می‌خواهند آرامش به دست بیاورند. پس این راهی برای تخلیه ناراحتی و فشار خود محسوب می‌کنند

تیش

## جنایات سیاه باند کرکس‌ها

پوشش مسافر، طلاها و اموال با ارزش زنان را سرقت کنم. پس از چند سرقت به فکرمان رسید به زنان تجاوز کنیم. به همین خاطر همراه یک دوست دیگرمان امید که تازه با او آشنا شده بودم سه تایی سوار خودرو شدیم و به عنوان مسافر در غرب تهران به ویژه صادقیه، میدان آزادی و جنت آباد می‌چرخیدیم و پس از سوار کردن سوژه، با تهدید چاقو او را به نقاط خلوت جاده چالوس می‌بردیم و مورد آزار و اذیت قرار می‌دادیم.»

با این اعترافات، آنها محاکمه و هر دو متهم به اعدام محکوم شدند. حکم اعضای باند کرکس‌های سیاه در ملاء عام اجرا شد و به دار مجازات آویخته شدند.

دختر جوان که به شدت ترسیده بود به مأموران گفت: «ساعتی قبل می‌خواستم به خانه‌ام در غرب تهران بروم. در صادقیه سوار خودرو شدم اما سه مرد جوان پس از طی مسافتی با تهدید چاقو سر مرا زیر صندلی خودرو بردند و پس از رسیدن به مکانی خلوت در جاده چالوس بارها مرا مورد آزار و اذیت قرار دادند.»

با ثبت این شکایت و چهره‌نگاری مشخص شد دونفر از متهمان سابقه دار هستند و به همین دلیل خیلی زود دستگیر شدند.

سردسته باند با اعتراف به ۱۴ مورد ربودن و آزار و اذیت زنان در غرب تهران و جاده چالوس گفت: «با همدستم در زندان آشنا شده بودم و بعد از آزادی سراغ او رفتم. از او خواستم برایم رانندگی کند و من در

باند کرکس‌ها از اولین باندهای تجاوز در پایتخت بودند که افشای جنایت‌های سیاه آنها سال ۸۴ در رسانه‌ها جنجالی شد. آنها برای این که نقشه خود را عملی کنند با یک خودرو پیکان در غرب تهران و آزادراه تهران-کرج پرسه می‌زدند و با سوار کردن زنان و دختران جوان آنها را به جاده چالوس می‌بردند و در خلوتی شبانه مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند.

آخرین بار در زمستان ۸۴ وقتی در حال تجاوز به یک دختر جوان در تاریکی شب بودند، گشت کلانتری آذران به آنها مشکوک می‌شوند و به تعقیب‌شان می‌پردازند. سه آزارگر شیطان صفت بارها کردن خودرو از آنجا متواری می‌شوند.